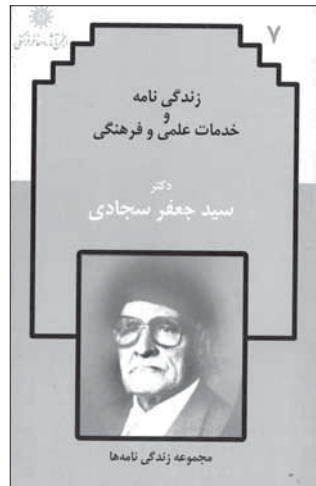


در اواخر دورهٔ دانشکده، در ایامی که مبارزات ضداستعماری مرحوم کاشانی و مصدق مجرای اصلی خود را یافته بود، احساس کردم گوشه‌گیری و عزلت از ورود در کارهای اجتماعی و فرهنگی، در این کشور که فساد آیت‌الله کاشانی استاد خود را می‌دیدم که از این گونه‌ها نباشد. مسلمان‌دادن به کار مسلمانان و رئیس مجلس خودداری نداشت و بعداً هم به عنوان نماینده و غاصب می‌شماریم، منشأ چه نظامی که همه ما آنرا فاسد و غاصب می‌شماریم، منشأ چه نظامی که همه ما خلاصه‌بر خلاف عقیده سابق، تصمیم گرفتیم و وارد گسترش شوم که از پریشان‌ترین و فاسدترین نهادهای دولتی به‌شمار می‌رفت ولی بامخالفت دوستانم به‌ویژه سیدحسین میر خانی که از شاگردان فاضل مرحوم میرزا ابوالحسن شعرانی، و جانشین مرحوم آملی در امامت مسجد مجدهالدوله بود و مرایه شدت از این کار باز می‌داشت، رویه‌رو شدم، ناگزیر متوجه وزارت فرهنگ شدم و در سال ۱۳۳۰ شمسی به استخدام درآمدم و بی‌درنگ به عنوان دبیر به ارومیه منتقل شدم یک سال در دبیرستان‌های این شهر به تدریس پرداختم، اندک در آن شهر و میان مردم مهریانش جامی افتادم که وزارت خانه در ۱۳۳۱ مرایه کرمانشاه منتقل کرد

این شهر زندگی کرده بودم و بارها حلایان و مردم آشنا بودم، چون قبلاً نیز در آن‌جا مشکلی نداشتیم، این ایام مصدق بود با اوج مبارزات مردم برای اقامت امتیازات نفت و نهضت مرحوم کاشانی و مرحوم مصدق که برای بیرون راندن انگلیسیان و ملی کردن نفت ایران می‌کوشیدند. انتخابات مجلس نزدیک بود و دولت در شهرهای مختلف افراد معتدل را برای نظارت بر انتخابات دادگستری و بازرسی کل نخست‌وزیری، مران نیز برای نظارت بر فرستادن کنگاور با عنوان بازرس ویژه انتخاب کردند و ابلاغی در این باره بود و با کوشش‌های پرحاشیه حزب توده و فتوای‌های منطقه، ممکن بود انتخابات به آشوب کشیده شود. اما با تدبیری که برای مقابله با توده‌های دیگر مخالفان مصدق و کاشانی اندیشیدیم، در انتخابات مذکور با توده‌های مهم، بیش نیامده، ولی توده‌های هارابه دشمنی با خود در انگیزش، جان‌کس از سقوط مصدق، سرهنگ خیالی دادستان نظامی که بعداً معلوم شد که خودی حزب و گروه و دسته‌ای وابستگی نداشتیم، ولی بعضی گروه‌ها و احزاب مرا متهم می‌کردند. توده‌ها را از خودی مر توجیهی نکردم و بعداً معلوم شد که خودی فتوای شاه را کمونیست و توده‌ها را از خودی مر توجیهی نکردم و بعداً معلوم شد که خودی با آیت‌الله کاشانی گمان می‌کردند از اعضای فداپایان اسلام هستم، ناگفته نماند که بسیاری از فرهنگیان که مانده در آن تاریخ تمایلات توده‌ها داشتند و تعدادی از آن‌ها به آنچه نمی‌اندیشیدند، منافع کشور و مردم بود در این دوره، در کرمانشاه اولین اثر خویش، زیر عنوان «مقدمه بر منطق» را نوشتیم و منتشر کردیم.



ارغنون

دکتر سید جعفر سجادی